



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

Analytical Elements of Good Governance from the Perspective of International Institutions and the Constitution of the Islamic Republic of Iran

Hamid Shakeri¹

1. Ph.D. in Public Law Dep., Faculty of Law and Political Science, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

E-mail: hamidshakeri90@gmail.com

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Article history:

Received 8 February 2024

Received in revised form 7 March 2024

Accepted 21 March 2024

Available online 26 March 2024

Keywords:

constitutional law,
good governance,
rule of law,
accountability,
participation

Although there are some serious controversies about governance quality, it is one of the most fundamental needs of human community that its necessity is not deniable. Nevertheless, original concern of all theorists is exercise of justice and prevention of despotism and dictatorship in every country's Constitution, besides defining basic principles, structure, hierarchy, position and limits of state political authority, it determines dictatorship citizens rights and regulates power relations. Undoubtedly, good governance is the most fundamental principle in defining and drawing basic rights. Good governance is a new discourse which is defined by factors such as rule of law, participation, responsibility, accountability, transparency, efficiency and effectiveness. In recent years, good governance has been paid attention so much. Good governance factors imply for which its exercise is needed to implement based on a national model. Research findings represent that each of good governance factors have been emphasized in Iranian Constitution a lot. To implement these factors, we have dealt with intensity of these indicators after Iran Revolution. This study is trying to clarify good governance concept and factors and also take such factor into consideration in the Iranian Constitution. At the end, to promote good governance in Iran, some recommendations have been expressed. The research method is the content analysis method and the data and information have been collected through library and document studies.

Cite this article: Shakeri, Hamid. (2024). Analytical elements of good governance from the perspective of international institutions and the constitution of the Islamic Republic of Iran. *Comparative Studies on Islamic Countries Law*, 2 (1), 81- 107. <http://doi.org/10.22034/LCS.2024.2014895.1030>



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22034/LCS.2024.2014895.1030>

Publisher: Ilam University.



Ilam University



Iranian Association
of Constitutional Law

تحلیلی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر نهادهای بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

حمید شاکری^۱

۱. دانش‌آموخته دکتری گروه حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، شیراز، ایران. رایانامه: hamidshakeri90@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

حکمرانی یکی از اساسی‌ترین نیازهای جوامع بشری است که ضرورت آن بر کسی پوشیده نیست. البته، اختلاف‌نظرهای جدی در کم و کیف آن وجود دارد، باین‌حال، دغدغه اصلی اغلب نظریه‌پردازان این حوزه، اجرای عدالت و جلوگیری از استبداد و خودکامگی است. قانون اساسی هر کشوری ضمن تعریف اصول اساسی، ساختار، سلسله‌مراتب، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت، به تعیین و تضمین حقوق شهروندان و تنظیم روابط قدرت می‌پردازد. بی‌شک حکمرانی خوب گفتمان جدیدی است که با مؤلفه‌هایی مانند قانونمندی، مشارکت، مسئولیت‌پذیری، پاسخگویی، شفافیت، اثربخشی و کارایی تعریف می‌شود که در سال‌های اخیر مورد توجه فراوان قرار گرفته است. مؤلفه‌های حکمرانی خوب حکایت از آن دارد که پیاده‌سازی آن مستلزم مدل بومی در کشور است. نگارنده در این پژوهش به این یافته دست می‌یابد که هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب به‌گونه‌ای در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اسناد بین‌المللی مورد تأکید بسیاری بوده است و در عرصه عمل نیز شاهد فراز و نشیب این شاخص‌ها پس از انقلاب هستیم. این مقاله تلاش دارد، ضمن تبیین مفهوم و مؤلفه‌های حکمرانی خوب، آن را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد بررسی قرار دهد و در پایان پیشنهادهایی در راستای ارتقای حکمرانی خوب در ایران بیان شده است. روش تحقیق به‌صورت روش تحلیل محتوا بوده و داده‌ها و اطلاعات نیز از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی گردآوری شده است.

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۷

کلیدواژه‌ها:

قانون اساسی،

حکمرانی خوب،

حاکمیت قانون،

پاسخگویی،

مشارکت.

استناد: شاکری، حمید (۱۴۰۳). تحلیلی بر مؤلفه‌های حکمرانی خوب از منظر نهادهای بین‌المللی و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. *مطالعات*

تطبیقی حقوق کشورهای اسلامی، ۲ (۱)، ۱۰۷-۸۱.

<http://doi.org/10.22034/LCS.2024.2014895.1030>

© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه ایلام.



مقدمه

جهان امروز با چالش‌هایی مواجه است که ناشی از دگرگونی‌های حاصل از پیشرفت علم و صنعت و طرح نیازهای جدید سازمانی و اجتماعی است. با این اوصاف، نقش دولت‌ها نیز متحول و مسئولیت آن‌ها هم متفاوت خواهد بود. دولت‌ها به‌تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای جدید نخواهند بود. آنان بایستی با افزایش قابلیت‌های خود از طریق بازدمیدن نیروهای تازه در نهادهای عمومی توان پاسخگویی به نیازهای جدید را افزایش دهند. این مهم نیازمند الگوی جدیدی است که بتوان از همه ظرفیت‌های جامعه برای تقویت پاسخگویی و شفافیت، مشارکت و قانونمندی استفاده نماید. این الگوی نوین همان حکمرانی خوب است. از این رو، توجه در مدل یاد شده، کمک شایانی به یافتن ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در ارائه خدمات عمومی بهتر خواهد نمود. نقش نهادهای مدنی به‌عنوان مدافع حقوق شهروندی در ارتقای مشارکت شهروندان و مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی حکومت تأثیر بسزایی دارد. بخش خصوصی به‌عنوان عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری‌ها و رشد ناخالص ملی و در پایان نقش دولت به‌عنوان تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی محیطی برای توسعه عدالت اجتماعی در جامعه نقش اساسی بر عهده دارند.

از سوی دیگر، قانون اساسی عالی‌ترین سند حقوقی یک کشور و راهنمایی برای تنظیم قوانین دیگر است. قانون اساسی تعریف‌کننده اصول سیاسی، ساختار، جایگاه و حدود قدرت سیاسی دولت یک کشور و تعیین و تضمین‌کننده حقوق شهروندان کشور است.

از جمله وظایف و کارکردهای قانون اساسی چگونگی و کیفیت توزیع قدرت سیاسی و سازماندهی اقتدار را تعیین می‌نماید که اصول آن در متون قانون اساسی منعکس شده است. در نتیجه مؤلفه‌های حکمرانی بایستی در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و تنظیم شود. از مفروضات منطقی هر قانون اساسی این است که قانون اساسی بایستی مشتمل بر اصول و احکامی باشد که قاعده سازگاری درونی در آن مورد لحاظ قرار گرفته باشد. در دوران مدرن کمیت حاکمیت دارای اهمیت نیست، آنچه دارای اهمیت است، کیفیت و چگونگی حکمرانی است.

از سوی دیگر بایستی در نظر داشته باشیم که حکمرانی خوب امروز در وضعیت ابتدایی به سر می‌برد و در واقع پیدایش وضع جدیدی در زندگی اجتماعی در جهان است که تلاش علوم اجتماعی در جهت تبیین این وضع جدید منجر به طرح ایده‌ای شده که از آن به حکمرانی خوب یاد می‌شود. ایده‌ای که پیش‌بینی می‌شود، آینده‌ای جهانگیر داشته باشد؛ اما می‌توان ادعا کرد که نه در تعریف و نه در مؤلفه‌ها اجماعی میان اندیشمندان وجود ندارد. از نظر تاریخی، حکمرانی خوب واکنشی در مقابل مشکلات و شکست‌های سیاست‌های پیشنهادی مؤسسات مالی بین‌المللی بود؛ نسخه‌هایی که برای کشورهای توسعه‌نیافته یا در حال توسعه و در جهت رشد اقتصادی آن‌ها پیچیده می‌شد و به‌جای حل مشکلات، بر حجم و تنوع آن‌ها می‌افزود، البته اگرچه در مورد مفهوم، مؤلفه‌ها و ویژگی‌های حکمرانی خوب هنوز وحدت نظر وجود ندارد. اما پذیرفتن سه‌گانه دولت و بخش خصوصی و جامعه مدنی در کنار هم و پذیرش این نکته که نمی‌توان یک نسخه واحد برای کل جهان تجویز کرد، تأکید بر تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و ... کشورهای مختلف و بسنده کردن به ارائه مؤلفه‌هایی که در هر محیطی مصداق خود را خواهند یافت، از جمله مشترکات میان این نظرهای گوناگون است.

این نظریه به دلایل متعددی مثل گسترش ارتباطات، احساس نیاز به تبیین‌های جهان‌شمول و ... در حوزه‌های مختلف با استقبال روبه‌رو شد. در حوزه علم حقوق طبق نظر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل حکمرانی خوب در واقع یک چهارچوب مفهومی برای توسعه حق محور یا حق بر توسعه است که در جهت دفاع از حقوق اولیه بشر

طراحی شده است و از مؤلفه‌هایی نظیر حاکمیت قانون، مشارکت و شفافیت، کارآمدی، پاسخگویی و ... برخوردار است. البته دامنه حکمرانی خوب شاخه‌های دیگری از علوم انسانی نظیر حقوق، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت دولتی و ... را هم در برمی‌گیرد که در هر حوزه باید تبیین و با ادبیات خاص خود بررسی شود. حکمرانی خوب بر اساس تعریف نهادهایی چون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، شامل مکانیزم‌ها، فرآیندها و نهادهایی است که به‌واسطه آن‌ها شهروندان، گروه‌ها و نهادهای مدنی منافع خود را دنبال کرده، حقوق قانونی را اجرا می‌کنند و تعهداتشان را برآورده می‌سازند و تفاوتشان را تعدیل می‌کنند. در این تعریف، هر اندازه ویژگی‌های مثبتی مانند حاکمیت قانون و پاسخگویی و شفافیت دولت در یک جامعه بیشتر بوده و فساد و مقررات اضافی و خشونت و بی‌ثباتی کمتر باشد، حکمرانی آن جامعه برای نیل به اهداف اقتصادی و اجتماعی مناسب‌تر خواهد بود. هدف از این مقاله بررسی معنی، مفهوم و مؤلفه‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی و اسناد بین‌المللی و ارائه پیشنهادهایی در مورد بهبود آن است. از این‌رو، در این تحقیق با توجه به مفهوم حکمرانی خوب در قانون اساسی و اسناد بین‌المللی به این پرسش پاسخ داده می‌شود که حکمرانی خوب در اسناد بین‌المللی و در علم حقوق به چه معنی است و راه تحقق حکمرانی خوب در ایران چیست؟ فرضیه‌ای نیز که در این تحقیق به آن پرداخته می‌شود، عبارت است از ارتقای شاخصه‌ای چندگانه حکمرانی خوب (حاکمیت قانون، مشارکت سیاسی، شفافیت و مبارزه با فساد، پاسخگویی، کارآمدی، اجماع محوری و ...) خودبه‌خود به تحقق و تقویت حکمرانی خوب کشورها می‌انجامد (هاشمی، ۱۳۹۵: ۲۸۲-۲۸۱). به‌طور کلی تحقیقات مختلفی درباره اهمیت و جایگاه حکمرانی خوب و چگونگی اجرایی کردن سیاست‌های آن انجام گرفته است که نشان‌دهنده گسترش این مفهوم و این نظریه در میان صاحب‌نظران رشته‌های مختلف و در میان سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی گوناگون است.

به‌رحال در این مقاله تلاش شده است ضمن تبیین و تشریح حکمرانی خوب در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی به ارزیابی مؤلفه‌های حکمرانی خوب به ارائه پیشنهادهایی در راستای ارتقای مؤلفه‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است.

رهیافت نظری و تعریف و مفاهیم

حکومت و حکمرانی

حکمرانی مفهومی پیچیده است که ارائه تعریفی دقیق و مشخص برای آن مشکل است. از آنجاکه این اصطلاح جنبه شهودی قوی دارد، افرادی که از آن استفاده می‌کنند، کمتر به فکر ارائه تعریف دقیق از حکمرانی هستند. به‌رحال، به لحاظ زبان‌شناسی حکمرانی از دیرباز بر عمل یا فرآیند حکومت کردن دلالت می‌کرده است. اصطلاحات حکمرانی و حکومت، دارای مفاهیم محض و تخصصی بوده که بعضاً فارغ از مفهوم، معمولاً جایگزین یکدیگر به کار می‌روند؛ اما قدمت حکمرانی به تاریخ تمدن بشری برمی‌گردد. واژه حکمرانی از لغت یونانی (Kybernetes) و (Kybernetes) گرفته شده و معنی آن هدایت کردن و راهنمایی کردن است (شریفیانی ثانی، ۱۳۸۰: ۱۴۹) استفاده از این اصطلاح را به افلاطون نسبت داده‌اند که در قرون وسطی برای حکومت کردن و اداره حکومت به کار برده می‌شد (Harris, 2008: 62). هرچند تبیین اندیشه حکمرانی خوب در بستر افکار نئولیبرالیستی شروع شده است (Stratford, 2007: 6)؛ ولی با توجه به مؤلفه‌های حکمرانی خوب و پیوند آن با حقوق بنیادین و فطری بشری می‌توان مدعی شد که حکمرانی خوب صرف‌نظر

از اینکه برای اول بار در کدام جامعه یا ایده مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است. این مورد به‌عنوان حق بنیادین و یک حق الهی بشری است که در تمامی جوامع با توجه به فرهنگ خاص و نهادینه شده آن جوامع وجود دارد.

در ادبیات حقوق عمومی از حکومت و حاکمیت به‌عنوان یکی از عناصر و ارکان بنیادین دولت کشور یاد می‌شود که مفهوم آن سیطره اراده برتر است که در یک قلمرو سرزمینی معین هیچ اراده رقیب دیگری از گروه‌های اجتماعی فراتر از آن وجود ندارد و از نظر بیرونی اراده فوق‌نایستی تحت سلطه و آمریت دولت دیگر باشد (عالم، ۱۳۷۵: ۱۴۵). از این منظر، ابعاد حاکمیت را به حاکمیت درونی و بیرونی دسته‌بندی نموده‌اند (قاضی، ۱۳۸۴: ۷۲). بنابراین حکومت و حکمرانی مانند بسیاری از اصطلاحات علوم انسانی از منظر علما دارای معانی متفاوتی است که هر کدام از منظر خود به تعریف و تبیین آن می‌پردازند.

حکمرانی خوب

حکمرانی خوب از جمله مفاهیمی است که با مشارکت شهروندان و تغییر نقش و کارکردهای دولت‌ها همراه است. از منظر سیستماتیک، حکومت با حکمرانی یکی نیست؛ حکمرانی به پویایی‌ها یا فرایندهای تصمیم‌گیری، چگونگی اعمال قدرت و تعامل‌های دولت و شهروندان اشاره دارد.

تاکنون تعاریف متعددی از مفهوم حکمرانی خوب، به عمل آمده است که از جمله آن می‌توان به تعاریف زیر اشاره کرد:

برنامه توسعه سازمان ملل حکمرانی را اعمال اقتدار اداری و سیاسی و اقتصادی در امور کشورداری در تمامی سطوح آن می‌داند (Weiss, 2000: 20).

کمیسون جامعه اروپا تصریح می‌کند که حکمرانی خوب، متضمن این موضوع است که دولتمردان و نهادهای سازمان‌ها به حقوق بشر، اصول دموکراسی و قانونمندی احترام بگذارند (Otto sano, 2002: 129).

بانک توسعه آفریقا حکمرانی خوب را این‌گونه تعریف می‌کند: حکمرانی خوب همان حکمرانی شفاف است که بر چهار پایه به هم وابسته یعنی پاسخگویی، شفافیت، قابل‌پیش‌بینی بودن و مشارکت استوار است (santiso, 2002: 12).

حکمرانی به روابط بین دولت و جامعه مدنی، حکومت‌کنندگان و حکومت‌شوندگان مربوط می‌شود (McCarne et. Al, 1995: 5).

چینا بر این باور است که واژه حکمرانی برای بحث درباره دو موضوع مرتبط استفاده می‌شود: نخست، همه جنبه‌های شیوه اداره یک کشور که نهادها، سیاست‌ها، قوانین، مقررات، فرایندها و سازوکارهای نظارتی را شامل می‌شود و دیگری مجموعه فرهنگ و ایدئولوژی مرتبط با حکمرانی، یعنی ارزش‌ها، فرهنگ، سنت‌ها و ایدئولوژی‌هایی که در حوزه حکمرانی وجود دارد (chibba, 2009: 79).

بر اساس جدیدترین تعریف بانک جهانی حکمرانی خوب، در اتخاذ سیاست‌های پیش‌بینی شده و آشکار و صریح حکومت، تصمیمات اداری و سیاسی شفاف، مسئولیت‌پذیری کارگزاران، پاسخگویی دستگاه‌های اجرایی در قبال عملکردهای خود، مشارکت فعال شهروندان و همچنین برابری همه شهروندان در برابر قانون تبلور می‌یابد (Kaufman & Kraay, 2007: 5). به‌طور کلی، می‌توان گفت حکمرانی خوب، تمرین چگونگی اداره سیاسی،

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور برای رسیدن به اهداف معین شده است. این مورد در برگیرنده روش‌ها و راهکارهایی است که شهروندان و سایر کنش‌گران اجتماعی می‌توانند از این طریق، توانایی دنبال کردن علایق و حقوق قانونی خود را داشته باشند (Kooiman, 2003: 74).

با توجه به تعاریف فوق، حکمرانی خوب در واقع یک گفتمان نوینی در اعمال حکمرانی به حساب می‌آید که با تلفیق مؤلفه‌های خاص حکمرانی ایدئال را توصیف کند. ظهور حکمرانی را می‌توان به‌عنوان الگوی نوینی برای اداره کشور به حساب آورد، این خود باعث شکل‌گیری گفتمان و مدل جدیدی برای مملکت‌داری شود.

کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل حکمرانی خوب را چنین تعریف می‌کند: «حکمرانی خوب تضمین احترام به حقوق انسانی و حاکمیت قانون، تقویت دموکراسی، ارتقای شفافیت و ظرفیت اداره عمومی» (Weiss, 2000: 797) است. در مجموع، حکمرانی خوب با این شاخص‌ها تعریف می‌شود: حکومت قانون، کارآمدی در ابعاد گوناگون، پاسخگویی و شفافیت‌پذیری در رفتارها و تصمیم‌های حکومت، نظارت‌پذیری، عدالت‌گستری، امنیت‌گستری، توزیع عادلانه و منطقی کالاها، خدمات و ارزش‌های اساسی، افزایش ظرفیت‌های مشارکت‌پذیری شهروندان، کاهش جدی فساد و تبعیض‌ها در سطوح مختلف (Johnson & Miners, 2000: 2). حکمرانی خوب منجر به افزایش میزان اعتماد و رضایت عمومی شهروندان نسبت به حکومت خواهد شد (Boucaret & Dewalle, 2003: 329).

تفاوت حکومت و حکمرانی خوب

با کمی تأمل در سابقه سیاست عملی و نظری از ابتدای جوامع بشری تاکنون نشان می‌دهد، بحث حکومت در جامعه مطرح بوده است. تا حدود دهه هشتاد میلادی، رویکرد حکومت تحت سیطره برنامه‌ریزی جامع که حکومت‌ها دارای اقتدار و ظرفیت لازم و کافی شامل اجرای سیاست‌ها و تحقق اهداف به‌منظور اداره حکومت هستند. در اواسط دهه ۸۰ میلادی، با توجه عملکرد ضعیف حکومت‌ها در ارائه خدمات باعث تغییر رویکرد اجرایی و نحوه اداره کشورها شد. در این زمان بود که زمزمه حکمرانی خوب مطرح شد. (برک‌پور؛ اسدی، ۱۳۸۸: ۱۸۹).

**جدول ۱. مقایسه ویژگی‌های اصلی حکومت و حکمرانی خوب

عوامل مقایسه	حکومت	حکمرانی خوب
بازیگران	- تعداد بسیار محدود شرکت‌کنندگان. - عوامل اجرایی اساساً دولتی	- تعداد بسیار زیاد شرکت‌کنندگان. - عوامل اجرایی بخش دولتی، جامعه مدنی، بخش خصوصی.
کارکردها	- مشاوره‌های صورت نمی‌گیرد. - هیچ‌گونه همکاری در صورت‌بندی سیاست‌ها و اجرای آن‌ها صورت نمی‌گیرد.	- انجام مشاوره. - همکاری تا حد امکان در صورت‌بندی سیاست‌ها و اجرای آن‌ها.
ساختار	- مرزهای بسته. - عضویت غیرارادی.	- مرزهای بسیار زیاد. - عضویت داوطلبانه.
نحوه تعامل	- اقتدار سلسله‌مراتبی، رهبری متصل از بالا. - تعامل خصمانه/ روابط متضاد. - برخورد‌های غیررسمی. - پنهان‌کاری.	- مشاوره افقی. - توافق بر سر هنجارهای تکنوکراتیک/ روابط تعاونی. - برخوردهای بسیار غیررسمی. - شفافیت.
توزیع قدرت	- آزادی عمل بالای دولت از جامعه/ تسلط دولت. - گروه‌های ذینفع جامعه هیچ نقودی در دولت ندارند. - هیچ تعادل یا همزیستی بین بازیگران وجود ندارد.	- آزادی عمل اندک دولت از جامعه/ تسلط پراکنده دولت. - گروه‌های ذینفع، جامعه هیچ نقودی پراکنده در دولت دارند. - تعادل یا همزیستی بین بازیگران وجود دارد.

بنابراین، حکمرانی خوب با فرم سنتی حکومت از آن جهت متفاوت است که کارگزاران اداره کشور تنها بخش عمومی نیستند، بلکه بخش‌های خصوصی و جامعه مدنی در امر کشورداری وارد می‌شوند. این کنش‌گران عموماً در تعامل با دولت در اداره امور عمومی کشور فعال هستند. علت ورود اصطلاح حکمرانی خوب را می‌توان گسترده شدن پیچیدگی زمینه کاری حکومت و بحران‌هایی که برای آن‌ها پیش آمد، دانست و بنابراین تعامل دوسویه دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی ضروری به نظر می‌رسد. بنابراین تغییر تدریجی از «حکومت» به سمت «حکمرانی» از پیامدهای مهمی است که هم در داخل دولت و هم در رابطه با جامعه پیرامون رخ می‌دهد و برای آنکه دولت بتواند وارد اشکال متفاوت حکمرانی شود، بسیاری از الگوهای سنتی فرماندهی و نظارت بخش عمومی باید جای خود را به حکمرانی خوب بدهند (Pierre, 2000: 11).

مؤلفه‌های حکمرانی خوب در نگرش نهادهای بین‌المللی

بر اساس سندی که بانک جهانی در سال ۲۰۰۶ توسط کافمن و کری و ماسترازی انتشار داد، حکمرانی خوب دارای شش شاخص است: پاسخگویی، ثبات سیاسی، اثربخشی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد (Christiane Arndt, 2008: 11). همین‌طور بر اساس اعلام بانک جهانی، هر قدر کشوری به این شاخص‌ها نزدیک‌تر باشد، آن کشور از نرخ رشد اقتصادی بالاتری برخوردار بوده، رشد بخش خصوصی مؤثرتری خواهد داشت. همچنین، میزان مرگ‌ومیر در آن کاهش و ورود سرمایه خارجی افزایش می‌یابد. بانک جهانی شش شاخص شامل حق اظهارنظر و پاسخگویی، حکومت قانون، کنترل فساد، کیفیت قوانین و مقررات، ثبات سیاسی، کارآمدی دولت را معرفی نمود.

درواقع، شاخص‌های بالا از دید بانک جهانی ملاک سنجش حکمرانی در هر کشور خواهد بود. به این معنا که به هر میزان در یک کشور دولت پاسخگوتر و کارآمدتر، ثبات سیاسی بیشتر، مقررات اضافی و هزینه‌های آن کمتر، حاکمیت قانون گسترده‌تر و فساد محدودتر است، حکمرانی خوب‌تر است. صندوق بین‌المللی پول سیاست خود را در مقابل حاکمیت مطلوب عبارت می‌داند، از چند شاخص که بعضی از آن‌ها با شاخص‌های نهادهای دیگر مشترک هستند و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از مسئولیت‌پذیری، شفافیت، مبارزه با فساد و مشارکت سیاسی شهروندان، حکومت قانون، دموکراسی و توسعه.

این صندوق بر اساس اختیارات مندرج در ماده ۱۴ اساسنامه خود با دولت‌های عضو، مذاکره می‌نماید تا سیاست‌های خود را با مقتضیات حکمرانی مطلوب تطبیق دهند. کمیته سیاست‌گذاری شورای حکام صندوق بین‌المللی پول در گزارش سال ۱۹۹۶ خود تحت عنوان اعلامیه مشارکت جهت رشد جهانی پایدار به اهمیت ارتقای حکمرانی مطلوب و عناصر بنیادین آن به‌منزله چارچوبی برای پیشرفت اقتصادی اشاره کرده است. بانک توسعه آفریقا شاخص‌های، مسئولیت، شفافیت، مبارزه با فساد و مشارکت سیاسی شهروندان و نیز اصلاحات حقوقی و قضایی را فهرست کرده است (موسوی، ۱۳۹۷: ۱۹۶).

بنابراین، با توجه به تعاریف مختلف حکمرانی خوب، مجموعه از مؤلفه‌ها می‌توان برای آن در نظر گرفت. مؤلفه‌ها ابزار مناسب برای معرفی یک پدیده است. در این راستا عده‌ای در تعریف و شناسایی حکمرانی خوب به بیان مؤلفه‌های آن پرداختند تا ضمن شناسایی حکمرانی خوب، با استفاده از مؤلفه‌ها به اندازه‌گیری و سنجش آن از

جوامع مختلف پردازند. برای این منظور افراد گروه‌ها و نهادهای ملی و بین‌المللی هر یک مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی برای حکمرانی خوب معرفی نموده‌اند (شریف‌زاده و قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۹۹). همچنین برنامه توسعه سازمان ملل در قسمتی از فعالیت‌های خود مؤلفه‌هایی، نظیر قانونمندی، مشارکت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و شفافیت برای اجرای طرح حکمرانی خوب در کشورهای عربی معرفی نموده است.

حاکمیت قانون^۱

قانونمندی و حاکمیت قانون، عامل پیونددهنده مدیریت و حکمرانی خوب است (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۵). لازمه حکمرانی خوب وجود چارچوب‌های قانونی مناسب و عادلانه است که بی‌طرفانه اعمال شوند و حامی تمام کمال حقوق بشر و شهروندان باشند. به مفهوم دیگر در جوامع بشری به قواعد و مقررات تأمین‌کننده حقوق انسانی که بی‌طرف باشد نیاز است (Sadashva, 2008: 7). به‌رحال، یکی از دیدگاه‌های حاکم در حقوق اساسی مدرن که تمامی صاحب‌نظران حقوق و علوم سیاسی بر آن اجماع دارند، اصل حاکمیت قانون است (مرکزالمیری، ۱۳۸۵: ۶). حاکمیت قانون به معنای تبعیت تمامی شهروندان، به‌ویژه مدیران و زمامداران از قانون است. بدین ترتیب بایستی تمام اعمال حکومتی در چارچوب قانون قرار گرفته و زمامداران، مسئول اعمال خویش شوند (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۳۴).

قانون در اینجا به معنای عام مدنظر است نه به معنای خاص آنکه صرفاً محدود به قواعد تصویب شده از طرف قوه مقننه و همه‌پرسی است (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۱۲۲). بنابراین، رفتار برابر و بدون تبعیض با همه شهروندان در مقابل قانون و وجود تضمین‌های قانون اساسی و واقعی برای حمایت از حقوق بنیادین شهروندان از لوازم ضروری آن به شمار می‌آید. وجود نظام حقوقی قابل پیش‌بینی و وجود نهادهای قضایی مؤثر و کارآمد و عادلانه شرط ذاتی و جدایی‌ناپذیر حمایت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده خودسرانه کارگزاران از اختیارات و صلاحیت‌های خود و اعمال غیرقانونی سازمان‌ها و افراد است. در بسیاری از کشورهای در حال گذار به دموکراسی قوانین جاری اغلب یا ناعادلانه‌اند یا اگر مناسب‌اند، به‌طور عادلانه و برابر اجرا نمی‌شوند. در چنین وضعیتی، حاکمیت قانون، قوه مجریه و مقننه بدون وجود سیستم تعادل و توازن و تأثیر نسبت به یکدیگر اقدام می‌کنند، انتخابات عادلانه و سالم و آزاد امکان‌پذیر نیست و نهادهای مدنی رشد و شکوفایی نخواهند داشت. در نتیجه سازمان‌ها و ساختارهای ناتوان و ناکارآمد حقوقی و سیاسی در این کشورها، فرآیند اصلاحات مردمی و توسعه پایدار در این‌گونه جوامع را به خطر می‌اندازند (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۶۳-۱۶۲).

حکومت قانون در اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. در ماده ۷ بیان گردیده که همگان در پیشگاه قانون یکسان‌اند و حق دارند، بدون هیچ‌گونه تبعیضی از پشتیبانی قانون برخوردار شوند. همه حق دارند تا در برابر هرگونه تبعیضی که ناقض این اعلامیه باشد و نیز در برابر هرگونه تحریکی که به هدف چنین تبعیضی صورت گیرد، از پشتیبانی یکسان قانون برخوردار شوند. در بند ۲ ماده ۱۵ تصریح شده که هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه از تابعیت (ملیت) خود محروم نمود و یا اینکه حق تغییر تابعیت (ملیت) را از وی سلب نمود و در بند ۲ ماده ۱۷ نیز آمده است که هیچ‌کس را نباید خودسرانه از حق مالکیتش محروم کرد. بند ۲ ماده ۲۹ تصریح می‌نماید که برای اجرای این حقوق، هرکس فقط باید در برابر محدودیت‌هایی قرار گیرد که توسط قانون صرفاً به هدف تأمین شناسایی و

احترام به حقوق و آزادی‌های دیگران و برآوردن مقتضیات منصفانه اخلاق و نظم عمومی و رفاه همگانی در یک جامعه دموکراتیک تعیین می‌شود.

پاسخگویی^۱

پاسخگویی از جمله نیازهای اساسی برای حکمرانی مطلوب به شمار می‌آید. این مؤلفه از جمله شاخص‌های بسیار مطلوب دموکراسی و حکمرانی خوب در تمامی سطوح است (سردارنیا، ۱۳۹۱: ۱۶۷). نه تنها مؤسسات و نهادهای دولتی بلکه بخش‌های خصوصی و نهادهای جامعه مدنی نیز بایستی در مقابل شهروندان و ذینفعان پاسخگو باشند. به‌طور کلی، هر مؤسسه‌ای بایستی نسبت به کسانی که از نتایج تصمیمات آن‌ها تأثیر می‌پذیرند، پاسخگو باشند. جامعه مدنی فعال و کنش‌گران اجتماعی سبب بهبود پاسخگویی مدیران و کارگزاران می‌شود. در ضمن این پاسخگو بودن بدون شفافیت و رعایت مقررات قانونی نمی‌تواند اعمال شود.

در حال، پاسخگویی حکومت به پاسخگویی درون حکومت و بیرون از حکومت تقسیم می‌شود، یکی از روش‌های اداری برای بهبود پاسخگویی درونی، تقویت عملکردگرایی و اصلاح نظام بودجه‌ریزی است. پاسخگویی شرط اصلی حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای حکومتی بلکه حتی بخش خصوصی و نهادهای جامعه مدنی نیز بایستی به عموم مردم و ذینفع‌های خود پاسخگو باشند. در بند ۱ ماده ۲۳ میثاق مدنی، سیاسی آمده است خانواده عنصر طبیعی و اساسی جامعه است و استحقاق حمایت جامعه و حکومت را دارد. در واقع، در این بند حکومت را به‌نوعی در مقابل جامعه پاسخگو می‌داند. در ماده ۲۸ میثاق، کمیته‌ای به‌منظور اجرای تمام مواد میثاق و نظارت بر آن‌ها تعیین شده است. این اقدام نیز نوعی پاسخگویی است که توسط دولت‌ها به افکار عمومی جهان پاسخ داده شده است.

مشارکت^۲

مشارکت یکی از اصول بنیادین حکمرانی خوب شهری به حساب می‌آید (UN HABITAT, 2002: 8). این اصطلاح به معنای حضور همه مردم در تصمیم‌گیری‌های مختلف است که هم به‌صورت مستقیم و هم به‌صورت غیرمستقیم از طریق نمایندگان و نهادهای واسطه‌ای قانونی و مشروع تحقق می‌یابد. مباحث مشارکت غالباً مبتنی بر وجود آزادی بیان و حق اظهار نظر همه افراد جامعه در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خواهد بود. البته، این لزوماً به معنای آن نیست که مطالبات و خواسته‌های تک‌تک شهروندان اجرا شود بلکه منظور مشارکت حداکثری است که از طریق مکانیسم‌های خاص خود تحقق پیدا می‌کند. بنابراین خصیصه اصلی مشارکت آزادی همه شهروندان در ابراز دیدگاه‌های خود است که این امر در مرحله اجرا نیازمند ابزارهای خاصی از جمله رسانه‌های آزاد و نهادهای مستقل مدنی است.

از سوی دیگر، در اسناد بین‌المللی به موضوع مشارکت در حد وسیعی پرداخته شده است، از جمله در ماده ۲۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است: هر انسان عضو اجتماع حق و امکان خواهد داشت بدون (در نظر گرفتن) هیچ‌یک از تبعیضات مذکور در ماده ۲ و بدون محدودیت غیرمعقول، در اداره امور عمومی بالمباشره یا به‌واسطه نمایندگان که آزاد انتخاب شوند شرکت نمی‌کنند. همان‌گونه که در سند دیگری تحت عنوان اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۱ ماده ۲۰ تبیین شده هر کس حق دارد آزادانه در احزاب و جماعت‌های مسالمت‌آمیز شرکت جوید.

1- Accountability.

2- Participation.

شفافیت^۱

شفافیت نقطه مقابل پنهان کاری در تصمیم‌گیری است. پنهان کاری، امکان بروز فساد در تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهد، حال آنکه شفافیت مانع از گسترش آن می‌شود. این معیار بر گردش آزاد اطلاعات و سهولت دسترسی به آن و آگاهی مستمر شهروندان از روندهای موجود استوار است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۵۴). حکمرانی خوب در صورتی تحقق می‌یابد که تمامی عملکرد کارگزاران از شفافیت بالایی برخوردار باشد.

اصل شفافیت در واقع در راستای مقابله با فساد است، فلذا در خصوص مبارزه با فساد، سندی مهم تحت عنوان کنوانسیون بین‌المللی برای مبارزه با فساد وجود دارد. این کنوانسیون، سند بین‌المللی بسیار مهمی در جهت مبارزه با فساد است که جامعه بین‌المللی را در جوانب مختلف در معرض خطر قرار داده است. کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد حرکتی بزرگ و لازم در کاهش و جلوگیری از وقوع فساد است. مبارزه با فساد جز با همکاری در سطح گسترده ممکن نیست. در ماده ۵ این سند بین‌المللی آمده است، سیاست‌ها و اقدامات پیشگیری از فساد هر کشور عضو، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود، سیاست‌های مؤثر و هماهنگ ضد فساد را که مشارکت جامعه را ارتقاء می‌دهد و اصول حاکمیت قانون، مدیریت مناسب امور عمومی و اموال دولتی، یکپارچگی، شفافیت و مسؤلیت‌پذیری را منعکس می‌کند، توسعه داده و اجرا خواهد کرد یا به آن‌ها ادامه خواهد داد. هر کشور عضو، تلاش خواهد نمود تا اقدامات مؤثری را با هدف پیشگیری از فساد به عمل آورده و آن‌ها را ترغیب کند. هر کشور عضو، تلاش خواهد نمود تا به صورت متناوب اسناد قانونی مربوط و اقدامات اداری را از نظر تعیین کفایت آن‌ها برای پیش‌گیری و مبارزه با فساد ارزیابی نماید. کشورهای عضو، به نحو مقتضی و طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود با یکدیگر و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مربوط در جهت ارتقاء و توسعه اقدامات موضوع این ماده همکاری خواهند نمود. این همکاری ممکن است، مشارکت در پروژه‌ها و برنامه‌های بین‌المللی با هدف پیشگیری از فساد را در برگیرد. در ماده ۶ نیز گفته شده که نهاد یا نهادهای مسئول پیشگیری از فساد هر کشور عضو، بر اساس اصول اساسی نظام حقوقی یا در صورت اقتضاء، وجود نهاد یا نهادهایی را که به وسیله روش‌هایی مانند اجرای سیاست‌های موضوع این کنوانسیون و در صورت اقتضاء نظارت و هماهنگی اجرای آن سیاست‌ها و افزایش و نشر آگاهی درباره پیشگیری از فساد جلوگیری می‌کنند، تضمین خواهد کرد. هر کشور عضو، طبق اصول اساسی نظام حقوقی خود، به نهاد یا نهادهای موضوع بند (۱) این ماده استقلال لازم را اعطاء خواهد نمود تا این نهاد یا نهادها را قادر سازد، وظایف خود را فارغ از نفوذ غیرضروری به نحو مؤثری انجام دهند و منابع مادی لازم و کارکنان متخصص و آموزشی که چنین کارکنانی ممکن است، نیاز داشته باشند تا وظایف خود را انجام دهند، تأمین خواهد نمود. هر کشور عضو، نام و نشانی مرجع یا مراجعی را که ممکن است در توسعه و اجرا اقدامات ویژه جهت جلوگیری از فساد، سایر کشورهای عضو را یاری دهند، به دبیرکل سازمان ملل متحد اطلاع خواهد داد. این کنوانسیون دارای ۷۱ ماده است که به تبیین روش‌های اجرایی برای مبارزه با فساد می‌پردازد.

برابری طلبی و فراگیر بودن^۱

رفاه هر جامعه در گرو ایجاد اطمینان از این نکته است که همه اعضای آن احساس کنند که سهمی در آن دارند و از جریان عادی جامعه کنار گذاشته نشده‌اند. برای این منظور باید همه گروه‌ها به‌خصوص آسیب‌پذیرترین آن‌ها موقعیت‌هایی برای دستیابی به رفاه کسب کنند.

کارایی و اثربخشی^۲

حکمرانی مطلوب به این مفهوم است که فرآیندها و مؤسسات موجود با استفاده بهینه از منابعی که در اختیار دارند، نتایجی را به بار آورند که نیازهای اجتماع را پاسخ گویند. مؤلفه‌های کلی کارآمدی دولت عبارتند از:

- ارائه خدمات عمومی بدون فشارهای سیاسی؛
- کیفیت تهیه و آماده کردن خدمات عمومی؛
- کیفیت نظام اداری؛
- شایستگی مدیران و کارگزاران.

اجماع‌سازی

درواقع هر اندازه که نقطه نظرات موجود در یک جامعه از تفاوت‌های زیادی برخوردار باشند، کنش‌گران زیادی در آن جامعه وجود خواهند داشت. لذا حکمرانی خوب، نیازمند این است که منافع و سلاقی مختلف در جامعه به سمت اجماعی گسترده که بهترین و بیشترین منفعت را برای تمام اجتماع در پی دارد، هدایت کند. این امر مستلزم این است که چشم‌انداز بلندمدت و وسیعی نسبت به آنچه برای توسعه انسانی پایدار ضروری است و چگونگی دستیابی به اهداف این چنین توسعه‌ای وجود داشته باشد. این مهم تنها از طریق درک مفاهیم تاریخی و اجتماعی و فرهنگی قابل دستیابی است.

با توجه به مؤلفه‌های فوق، حکمرانی خوب یک نقطه ایدئال است که تحقق آن بسیار دشوار به نظر می‌رسد و تاکنون تعداد اندکی از کشورها به معیارهای آن نزدیک شده‌اند. باین حال، حرکت به سمت معیارهای حکمرانی خوب با هدف تضمین پایداری توسعه انسانی به‌عنوان یک الزام باید مورد توجه قرار گیرد (نوبری، رحیمی، ۱۳۸۹: ۱۹).

بینش راهبردی

فراتر رفتن از مسائل روزمره جامعه مستلزم وجود بینشی گسترده نسبت به آینده درزمینه توسعه پایدار است (نوبری، رحیمی، ۱۳۸۹: ۵۴).

تمرکززدایی

طی گزارش بانک جهانی، بیش از ۶۰ درصد کشورهای درحال توسعه در اجرای برنامه تمرکززدایی هستند (شفیعی، ۱۳۸۱: ۴۷). تمرکززدایی به معنای واگذاری اختیارات به سازمان‌ها و مراکز مختلف تأکید دارد به عبارت دیگر، تمرکززدایی بر اصل «تفویض مسئولیت به سطح پایین‌تر» استوار است.

1- Equity and Inclusiveness.

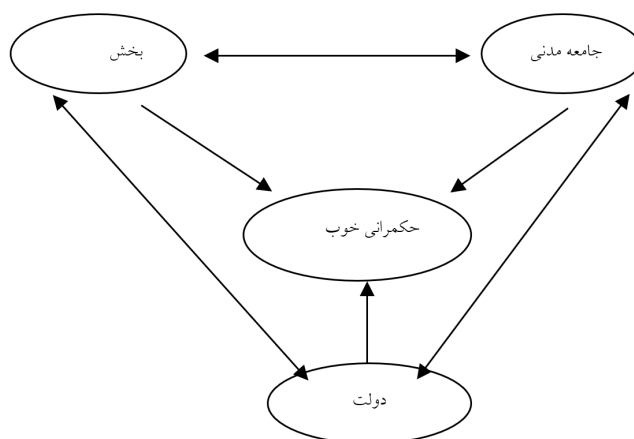
2- Effectiveness and Efficiency.

جدول ۲. برخی از مؤلفه‌های حکمرانی خوب نگرش برخی از نهادهای بین‌المللی

بانک جهانی	اجلاس سازمان ملل ۲۰۰۶	کمیسیون مستقل پیرامون حکمرانی خوب	شبکه‌های حامی حکمرانی خوب در جنوب شرق آسیا	همایش جهانی وزیران امور خارجه	بانک توسعه آسیا	اجلاس جهانی ژوهانسبورگ ۲۰۰۲
محاسبه‌پذیری	محاسبه‌پذیری	محاسبه‌پذیری	محاسبه‌پذیری	محاسبه‌پذیری	محاسبه‌پذیری	محاسبه‌پذیری
شفافیت	امنیت	شفافیت		امنیت	شفافیت	شفافیت
مشارکت‌پذیری	مشارکت‌پذیری	مشارکت‌پذیری	مشارکت‌پذیری		مشارکت‌پذیری	مشارکت‌پذیری
کارایی و اثربخشی	کارایی و اثرگذاری			کارایی و اثربخشی		کارایی و اثربخشی
عدالت و برابری	عدالت و برابری		مساوات و برابر	عدالت و بی‌طرفی		عدالت و برابری
حاکمیت قانون	قانونمندی	حاکمیت قانون		قانونمندی	حاکمیت قانون	حاکمیت قانون

با توجه به این مؤلفه‌های می‌توان استنباط کرد که حکمرانی خوب یک وضعیت آرمانی است که تحقق آن در مجموع مشکل می‌نماید. با توجه به تأکید بانک جهانی بر استقرار حکمرانی خوب در کشورهای عضو تضمین توسعه پایدار منابع انسانی، اقدامات دولت‌ها با جهت‌گیری به‌سوی تحقق چنین آرمانی انجام می‌شود (ره‌نورد و عباس‌پور، ۱۳۸۶: ۲۸).

در حکمرانی خوب بین سه رکن اصلی آن یعنی دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی یک تعامل دوسویه و متقابل وجود دارد. فعالیت تعاملی بین این سه بخش، نقش پیش‌برندگی تسهیل‌کنندگی را ایفا و بستری لازم برای تحقق حکمرانی خوب فراهم می‌کند. این تعامل در شکل ذیل ترسیم شده است.



بدین ترتیب، حکمرانی خوب، هم شامل دولت و کیفیت فعالیت آن می‌شود و هم با درگیر کردن بخش خصوصی و جامعه مدنی از آن فراتر می‌رود. صاحب‌نظران بر این باورند، تعامل دوسویه این بخش برای تحقق حکمرانی خوب ضروری است. در این راستا، دولت وظیفه تمهید محیط سیاسی و حقوقی کارآمد را بر عهده دارد و بخش خصوصی وظیفه تولید اشتغال و درآمد و همچنین جامعه مدنی نیز تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال را برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی تسهیل می‌کند.

برخی از صاحب‌نظران با تلفیق ابعاد سیاسی و حقوقی و اقتصادی مختصات دولت را در الگوی حکمرانی خوب به شرح ذیل بیان می‌نمایند (قلی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۳۱-۱۲۹).

مؤلفه‌ها	خصوصیات
دولت مردم‌سالار	اصول حاکمیت مردم، حاکمیت دولت به‌جای تصدی‌گری آن، شهروندمداری، برابری سیاسی شهروندان، مدیریت شفاف، انتخاب شهروندی، محوریت قانون.
دولت پاسخگو و مسئولیت‌پذیر	مدیریت پاسخگو، پاسخگویی شهروندی، همراهی مسئولیت و قدرت، نظارت صاحبان اصلی قدرت (شهروندان)، ممیزهای مالی و برنامه‌ای.
دولت مشارکتی	مشارکت آزاد و واقعی، ایجاد تشکل‌های مدنی قدرتمند، ایجاد رسانه‌های آزاد و نیرومند، مشارکت دادن شهروندان و سایر کنش‌گران در فرایند تصمیم‌گیری.
دولت عدالت محور	دسترسی اقلیت‌ها به ساختار قدرت، حق برابر شهروندی، مدیریت متکی بر عدالت و انصاف.
دولت کارا و اثربخش	مدیریت دولتی متعهد، فزونی نیروهای تحول‌آفرین، کیفیت و توان بالای نیروی انسانی، مشارکت همه کنش‌گران در هدف‌گذاری، نگرش راهبردی و تعیین دقیق راهبرد.

پیامدهای حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، مدلی است برای به کارگیری بهتر اختیار به‌منظور استفاده از حداکثر توان موجود در جامعه برای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در همه ابعاد جامعه است. برخی از پیامدهای حکمرانی خوب عبارتند از:

۱. نگاه واقع‌گرایانه در مورد اداره امور کشور است؛
 ۲. تقویت مشارکت شهروندان در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری؛
 ۳. اعتماد شهروندان به برنامه‌های کارگزاران و پشتیبانی قوی شهروندان از آن‌ها؛
 ۴. تقویت مشروعیت نظام سیاسی؛
 ۵. افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق متقابل خود و حکومت؛
 ۶. ایجاد فرصت‌های برابر در تمامی زمینه‌ها؛
 ۷. توسعه پایدار انسانی؛
 ۸. توسعه مردم‌سالاری و تقویت مشارکت شهروندان، افزایش احترام به حقوق بشر و تقویت همبستگی اجتماعی؛
 ۹. کاهش فساد و تقویت سلامت اداری و مخالفت با قانون‌گریزی و هنجارشکنی.
- همچنین برخی از صاحب‌نظران دیگر بر این باورند که کاربست مؤلفه‌های حکمرانی خوب پیامدهایی به همراه خواهد داشت که عبارتند از:

۱. ایجاد توسعه پایدار انسانی و نیز حمایت و حفاظت از فرصت‌های زندگی و منابع برای نسل‌های آینده شامل توانمندسازی، افزایش رضایتمندی، جلوگیری از تحقق شکاف‌های اجتماعی، پاسخگویی به مطالبات شهروندان، افزایش مشارکت شهروندان و سایر کنش‌گران در فرایند تصمیم‌گیری؛
۲. تقویت سرمایه‌های اجتماعی، سیاسی و انسانی؛
۳. کاهش فساد، ارتقای سلامتی اداری و مقابله با قانون‌گریزی و هنجارشکنی؛
۴. توسعه مردم‌سالاری، گسترش تکررگرایی، افزایش احترام به حقوق شهروندی و تقویت همبستگی اجتماعی؛
۵. تحقق مؤلفه‌های حکمرانی سبب ارتقای میزان اعتماد اجتماعی می‌شود؛

۶. به وجود آمدن نگرشی واقع‌گرایانه در اداره امور کشور، حفظ وضعیت اخلاقی و عدالت در توزیع مزایای ناشی از نگرش واقع‌گرایانه به‌منظور رضایت شهروندان؛

۷. سازماندهی منظم و منضبط امور کشورداری با استفاده از جنبه‌های برتر تفکر سیاسی، اجرایی؛

۸. به‌طور کلی برای اینکه یک حکمرانی، حکمرانی خوب تلقی شود، بایستی کارکردهای زیر را داشته باشد:

- قانون‌گرایی، نگرش راهبردی در حل مسائل کشوری، بسترسازی لازم برای مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی و اجرای آن؛ شفافیت در عملکرد دولت‌مردان؛ مسئولیت‌پذیری و پاسخگویی کارگزاران، اولویت‌دهی برای حل مسائل مربوط به فقر و بیکاری و مانند آن، افزایش آگاهی برای تأمین حقوق اقلیت‌ها و حقوق زنان.

برخی صاحب‌نظران در عرصه علوم سیاسی، اقتصاد و حتی حقوق عمومی بر این باورند که رشد اقتصادی به‌صورت خودکار، توسعه انسانی را به دنبال دارد، اما معمولاً با رشد اقتصادی تنها در برخی از جنبه‌ها توسعه انسانی حاصل می‌گردد. ولی برخی امور دیگر این رشد و توسعه تأثیری نمی‌گذارد. بدون حکمرانی خوب، رشد اقتصادی در جامعه، یکنواخت و هماهنگ نخواهد بود و به ایجاد شکاف در بخش‌های اقتصادی و اجتماعی منجر می‌شود. حکومت‌های مسئولیت‌پذیر، پاسخگو و قانون‌گرا به‌طور گسترده از چنین مرزبندی در بخش منابع و نیروی انسانی خود جلوگیری می‌کنند. به‌رحال، حکمرانی خوب مانند بسیاری از امور دیگر به‌صورت تصادفی حاصل نمی‌شود، بلکه نیازمند قواعد نظام‌مند و برنامه‌ریزی دقیق است. حکمرانی خوب نتیجه برنامه‌ریزی مدون، مشارکت کارآمد و تصمیم‌گیری منطقی و معقول است (خلفخانی، ۱۳۹۱: ۵۸۲-۵۸۱).

ارزیابی مؤلفه‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی ایران

انقلاب اسلامی ایران به رهبری مرحوم امام(ره) ابطال نظام سلطنتی را هدف سلبی و ایجاد جمهوری اسلامی را هدف ایجابی خود قرار داد. پس از پیروزی انقلاب در همه‌پرسی دوازدهم فروردین ماه ۱۳۵۸ ملت ایران با اکثریت قاطع رأی به شکل «جمهوری اسلامی» برای نظام جدید دادند.

ساختار دولت در ایران از دو ساختار اجتماعی و فرهنگی نشئت گرفته است. در ساختار فرهنگی از دو مؤلفه ملی و دینی استفاده شده است و در کنار آن در ساختار اجتماعی از دو شکاف عمده که یکی ناشی از جدل‌های سنت و مدرنیته و دیگری شکاف قومی و مذهبی است (آشوری، ۱۳۷۶: ۳۴-۱۷). همین شکل فرهنگی و اجتماعی باعث به وجود آمدن نوع خاصی از حکومت در ایران شده است که توأمان بر اسلامیت نظام (اصل چهارم و پنجاه‌وششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) و جمهوریت نظام (اصل ششم قانون اساسی) تأکید می‌شود. قانون اساسی در زمان کوتاهی شکل گرفت. از جمله وظایف و کارکردهای قانون اساسی کیفیت توزیع قدرت سیاسی و سازماندهی اقتدار را تعیین می‌نماید که اصول آن در متون قانون اساسی منعکس شده است. در نتیجه، مؤلفه‌های حکمرانی بایستی در قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و تنظیم گردد. از مفروضات منطقی هر قانون اساسی این است که قانون اساسی بایستی مشتمل بر اصول و احکامی باشد که قاعده سازگاری درونی در آن مورد لحاظ قرار گرفته باشد. از جمله اصول قانون اساسی در مورد حاکمیت، ارزش‌های بنیادین حکمرانی که از یک منشأ سرچشمه گرفته و با یکدیگر سازگاری و همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند. برای نمونه در ایران نظریه حاکمیت بیش از هر چیزی نیازمند نظریه حاکمیتی

است که سازگاری اصول جمهوریت و اصول اسلامیت را تبیین نماید. در صورت فقدان نظریه‌ای عام‌الشمول و مورد پذیرش جامعه سیاسی ایران و اجماع نیروهای سیاسی و کارگزاران حکومت از حاکمیت جمهوری و اسلامی منجر به تفاسیر افراطی یا تفریطی از اصول قانون اساسی خواهد شد (زارعی، ۱۳۸۳: ۱۷۵).

شیوه اداره امور عمومی در ایران اغلب بر اساس تمرکز و با قاعده عدم تراکم صورت می‌پذیرد. بر اساس تمرکز، یعنی کلیه امور کشوری به‌خصوص وضع قوانین، امور مالی و مالیاتی، سیاست خارجی منبعث از مرکز واحد، با ابتکار دولت مرکزی و توسط مأموران آن بر اساس اصل سلسله‌مراتب کامل انجام می‌پذیرد. اما بر اساس قاعده عدم تراکم، امور محلی از امور ملی تفکیک شده و توسط مأموران مرکزی با رعایت سلسله‌مراتب کامل، در محل اعمال می‌گردد. مردم نیز در شکل‌دهی نهادهای انتخابی مشارکت دارند که فرآیند انتخابات از مصادیق عینی آن است (قلی‌پور، ۱۳۸۳: ۹۲).

حکمرانی خوب نمی‌تواند یک نسخه استاندارد باشد. در اینجا الگوی یک سایز، اندازه همه^۱ مطلوب نیست. چراکه در کشورهای مختلف اداره کشورها بایستی بر اساس اوضاع و احوال و شرایط فرهنگی آن‌ها باشد. به‌هرحال، اصول بنیادین حکمرانی خوب، جهانی و همگانی است. اجرای آن از کشوری تا کشور دیگر متفاوت است. همه کشورها بایستی حق داشته باشند. گونه‌های ملی متعلق به خود را در زمینه حکمرانی خوب مشخص و تعیین کنند. به‌گونه‌ای که تجربه تاریخی آن‌ها را مدنظر قرار دهد و بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی ساخته شود و منعکس کننده واقعیت‌های روزمره باشد (هداوند، ۱۳۸۴: ۷۸). در ذیل به ارزیابی کاربرد مؤلفه‌های حکمرانی خوب در قانون اساسی پرداخته می‌شود.

حاکمیت قانون

در ساده‌ترین بیان، حاکمیت قانون، انجام هر عملی مطابق قانون است. اما، این اصل بنیادین را نمی‌توان تنها به این جمله اکتفا کرد. در مقام بیان تمایز میان حقوقی عمومی و حقوقی خصوصی، حاکمیت قانون را می‌توان و بایستی در تقابل با حاکمیت اراده قرار داد و بر اساس آن ممیزه حوزه‌ای از حقوق تعبیر نمود که بایسته‌های حاکم بر آن، تابع اراده افراد نیست. از این نظرگاه، حاکمیت قانون، موجد و معرف صلاحیت‌ها و نه اراده‌هاست. حاکمیت قانون وضعیت عدم حاکمیت اراده است (امامی و زرگوش، ۱۳۸۷: ۵۵). به مفهوم دیگر می‌توان مدعی بود که یکی از دیدگاه‌های حاکم در حقوق اساسی مدرن که تقریباً تمامی صاحب‌نظران حقوق و علوم سیاسی بر آن اجماع دارند، اصل حاکمیت قانون است (مرکز مال‌میری، ۱۳۸۵: ۶). پیشینه اصل محدودیت حکمرانان را می‌توان از زمان ارسطو یاد کرد (Rose, 2004: 457). چراکه در آن زمان، سه شرط اساسی برای تحقق دموکراسی و حکومت خوب مطرح بود. یکی، برابری در مقابل قانون است و دو شرط دیگری به ترتیب «حق برابر در دست‌یابی به کلیه مناصب حکومتی» و «آزادی بیان» مجموعاً سه شرط تحقق دموکراسی و حکومت از دیدگاه یونانیان آن زمان است (دوبنوا، ۱۳۷۸: ۲۸). به‌هرحال، می‌توان مدعی بود که حاکمیت قانون از مهم‌ترین اصول مطرح و مورد قبول قوانین اساسی تمامی کشورهای دنیا است. حاکمیت قانون یعنی همگان در برابر قوانین یکسان خواهند بود. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با تحدید وظایف و اختیارات کارگزاران و برابر شمردن آن‌ها با دیگر آحاد ملت و همچنین پیش‌بینی نظارت‌های متعدد بر دولتمردان، اصل حاکمیت قانون را به رسمیت شمرده است (راعی و عطریان، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

تساوی و برابری افراد در برابر قانون یکی از ابزارهای حاکمیت قانون است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر این اصل تأکید اساسی شده است.

اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از وظایف اصلی دولت محو هرگونه اشکال استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی می‌داند. همچنین در اصل ۱۰۷ قانون اساسی با تأکید کردن بر برابری بالاترین مقام سیاسی و اجرایی کشور با دیگران در برابر قانون، اصل حاکمیت قانون را به‌صراحت بیان شده است. اصولی که محدوده تکالیف و اختیارات مقامات و مسئولین کشوری را معین می‌کند، می‌توان از جمله اصول مربوط به حاکمیت قانون دانست.

اصل ۱۱۰ قانون اساسی که در مورد وظایف و اختیارات رهبری است.

اصولی همچون: ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۵۶، ۱۴۰، ۱۳۸، ۱۳۳، ۱۲۸، ۱۲۵، ۱۱۳، ۷۲، ۷۱ است.

موانع اجرایی حاکمیت قانون در ایران

۱. عدم پیش‌بینی ضمانت اجرای لازم برای اجرای قوانین.

۲. عدم مشارکت و نظرخواهی از شهروندان در تهیه، تدوین و اجرای قوانین.

۳. تغییرات پی‌درپی قوانین و مقررات.

۴. گاهی اوقات ایجاد قوانین متضاد.

۵. عدم تطابق قوانین با نیازهای شهروندان.

۶. عدم کارایی برخی از قوانین.

راه‌های تقویت حاکمیت قانون در ایران

- کاهش مقررات دست‌وپا گیر در کشور.

- اصلاح قوه قضائیه: نظام قضایی نیز بایستی اصلاح شود تا بتواند با کارآمدی، سازگاری و عدالت، قوانین را تنفیذ کرده و به این ترتیب استقرار حاکمیت قانون را برقرار و برای شهروندان ابزاری جهت حل و فصل دعاوی و شکایات فراهم سازد (قنبری، ۱۳۹۱: ۲۸۹).

- برای اجرای قوانین و مقررات ضمانت اجرای لازم پیش‌بینی شود.

- قبل از تصویب قوانین و مقررات، پیش‌نویس آن در اختیار شهروندان به‌خصوص صاحب‌نظران آن عرصه قرار بگیرد.

کرامت انسانی

در قانون اساسی، همه افراد جامعه صرف‌نظر از نژاد، زبان، قومیت و جنسیت در تمامی عرصه‌های اجتماعی از حقوق مساوی برخوردارند (اصول ۲۰ و ۱۹ قانون اساسی). از سوی دیگر، تعرض به جان، مال، حیثیت، مسکن، عقیده و فکر و فعالیت‌های جمعی در قالب حزب، انجمن و تشکل‌ها ممنوع است و قانون از آن نگرهبانی می‌کند (اصول ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۶). در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سیستم

قضایی برای حراست از حقوق فردی و اجتماعی تمامی شهروندان به‌صورت مستقل استقرار یافته است. همچنین دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هرگونه اعمال مجازات از طریق دادگاه صالح و به‌موجب قانون خواهد بود (اصول ۳۸، ۳۷، ۳۶، ۳۵).

مسئولیت‌پذیری

- اصل یک‌صد و یازدهم قانون اساسی، مسئولیت رهبری در برابر مجلس خبرگان.
- اصول ۱۳۴، ۱۲۲، ۸۹، ۸۸ در خصوص مسئولیت سیاسی رئیس‌جمهور در برابر ملت، رهبر و مجلس شورای اسلامی و در اصل ۱۴۰ در رابطه با مسئولیت کیفری آن مقام و در بند ۱۰ اصل ۱۱۰ در ارتباط با مسئولیت رئیس هیئت‌وزیران توجه شده است.
- مسئولیت سیاسی وزیران در اصول ۸۸ و ۸۹ و ۱۳۷ و مسئولیت کیفری آنان در اصل ۱۴۰ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته است.
- اصل ۸۴ قانون اساسی، مسئولیت سیاسی نمایندگان مجلس در مقابل شهروندان.
- اصل ۱۷۱ در خصوص مسئولیت حقوقی قضات در صدور رأی و مفهوم خلاف اصل ۱۶۴ در رابطه با مسئولیت کیفری و اداری آنان در صورت ارتکاب جرم یا تخلف نیز جالب توجه است.

پاسخگویی

در ایران اسلامی تمامی نهادها و قوای حاکم بر اساس قانون اساسی بایستی پاسخگویی عملکرد خویش باشند. در جدول ذیل نحوه پاسخگویی آن‌ها نشان می‌دهد.

مقام رهبری	۱. بر اساس اصل یک‌صد و یازدهم قانون اساسی پاسخگویی در مقابل مجلس خبرگان. ۲. بررسی داریی رهبری، همسر و فرزندان آن قبل و بعد از خدمت توسط رئیس قوه قضائیه (اصل یک‌صد و چهل و دوم قانون اساسی).
رئیس‌جمهور	۳. پاسخگویی در برابر مردم (اصل یک‌صد و دوازدهم قانون اساسی). ۴. پاسخگویی در برابر رهبری (اصل یک‌صد و دوازدهم قانون اساسی). ۵. پاسخگویی در برابر مجلس شورای اسلامی (اصول یک‌صد و دوازدهم و هشتاد و نهم).
قوه مقننه	۶. پاسخگویی در برابر شهروندان (اصل نودم قانون اساسی). ۷. پاسخگویی رهبری در پیروی از سیاست‌های کلی نظام.
قوه مجریه	۸. پاسخگویی در برابر مقام رهبری در پیروی از سیاست‌های کلی نظام. ۹. پاسخگویی در برابر مجلس شورای اسلامی برای اجرای قانون. ۱۰. پاسخگویی تذکر (ات)، سؤال و استیضاح نمایندگان (اصل هشتاد و نهم). ۱۱. پاسخگویی اجرای دقیق قانون بودجه (نظارت به‌وسیله دیوان محاسبات). ۱۲. پاسخگویی شکایات مردمی از طرز عمل قوه مجریه (اصل نودم). ۱۳. پاسخگویی در برابر قوه قضائیه، احقاق حقوق شهروندان (از طریق دیوان عدالت اداری و دادگاه‌های عمومی). ۱۴. پاسخگویی برای اجرای دقیق قوانین (با نظارت سازمان بازرسی کل کشور). ۱۵. بررسی داریی رئیس‌جمهور، وزیران و معاونین رئیس‌جمهور توسط رئیس قوه قضائیه.
قوه قضائیه	۱۶. پاسخگویی در برابر قوه مقننه بابت اجرا یا عدم اجرای قوانین. ۱۷. پاسخگویی در برابر مجلس بابت شکایات مردمی از طرز کار قوه قضائیه. ۱۸. پاسخگویی در برابر مقام رهبری. ۱۹. پاسخگویی در برابر رئیس‌جمهور، البته لازم به ذکر است این نوع پاسخگویی در قانون اساسی به‌صراحت بیان نشده اما این پاسخگویی به‌موجب وظیفه رئیس‌جمهوری در اجرای قانون اساسی است.
پاسخگویی سایر نهاد عمومی	۲۰. پاسخگویی فقهای شورای نگهبان به مقام معظم رهبری. ۲۱. پاسخگویی صداوسیما به مقام رهبری (گرچه به‌صراحت در قانون اساسی آورده نشده منتها از متن قانون اساسی قابل برداشت است). ۲۲. پاسخگویی نیروهای مسلح به مقام رهبری.

موانع پاسخگویی در ایران

- عدم وجود احزاب و جامعه مدنی در کشور؛
- تعدد نهادها و سازمان‌های متولی امر عمومی در کشور؛
- ناکارآمدی دستگاه‌های نظارتی و ذینفع بودن آن‌ها در نمونه مورد نظارت؛
- عدم تعهد اخلاقی و دینی؛
- پراکندگی و تعدد دستگاه‌ها و مراجع متولی امور عمومی کشور؛
- عدم شایسته‌سالاری و نظام نامناسب انتخاب و انتصاب؛
- فعالیت ضعیف و غیرنظام‌مند احزاب سیاسی در جامعه؛
- بی‌برنامگی دولت و عقب افتادن از برنامه‌های حداقلی؛
- عدم تناسب بین اختیارات و وظایف محوله (قلی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۵).

راه‌های بهبود پاسخگویی

۱. تأسیس و تقویت نهادهای مدنی؛
۲. تمرکززدایی وظایف دولت؛
۳. تبدیل نظام اداری از کارمند محور به نظام اداری خدمتگزار؛
۴. تقویت و اصلاح سیستم نظارتی در کشور.

نظارت و کنترل‌پذیری

اصل یک‌صدویازدهم قانون اساسی در خصوص نظارت مجلس خبرگان بر رهبری و اصول ۱۳۶، ۱۳۳، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۷۶، ۵۵، ۵۴، ۵۲ قانون اساسی مبین نظارت مجلس شورای اسلامی بر قوه مجریه است. اصول ۱۷۳، ۱۷۰، ۱۴۰، بند ۱۰ اصل ۱۱۰ در ارتباط با نظارت قوه قضائیه بر قوه اجرایی کشور است. اصل ۵۷ و بند ۷ و ۱ اصل ۱۱۰ نظارت رهبری بر قوه سه‌گانه اختصاص یافته است. اصل ۱۴۲ قانون اساسی، رسیدگی به اموال و دارایی «رهبری»، «رئیس‌جمهور و معاونان وی و وزرا و خانواده آن‌ها» را بر عهده رئیس قوه قضائیه قرار داده تا برخلاف حق افزایش نیابد.

نظارت بر رهبری

از جمله مهم‌ترین ابزارهای کنترل و نظارت بر رهبری در قانون اساسی، خصوصیات و ویژگی‌هایی است که آن مقام بایستی از ابتدا تا انتهای انجام مسئولیت دارا باشد. این خصوصیات در اصول ۵، ۱۰۹، ۵، ۱۰۹ قانون اساسی بیان شده است. بر اساس اصل یک‌صدویازدهم قانون اساسی، مجلس خبرگان رهبری بر عملکرد رهبری نظارت دارد. یکی دیگر از ابزارهایی که در قانون اساسی برای نظارت بر رهبری در نظر گرفته شده است، نظارت و کنترل اموال رهبری در زمان مسئولیت توسط رئیس قوه قضائیه است تا برخلاف حق افزایش نیافته باشد (اصل ۱۴۲ قانون اساسی). بنابراین، قانون اساسی در کنار اعطای اختیارات خاص به رهبری، پیش‌بینی نظارت‌های کافی و مؤثر را

مدنظر قرار داده است. بنابراین دیدگاه‌های مطرح شده مبنی بر عدم لزوم نظارت بر رهبری (سروش محلاتی، ۱۳۷۸: ۱۲۷) و یا عدم نظارت بر نهادهای تحت نظر آن مقام و همچنین یکسان ندیدن رهبری در بعضی از قوانین با روح قانون اساسی و دیدگاه مرحوم امام(ره) ناسازگار است.

امنیت

امنیت افراد انسانی در جلوه‌های مختلف مادی و معنوی قابل تصور است که قانون اساسی ضرورت احترام به آن‌ها مکرراً مورد تأکید قرار داده است. اصل بیست‌ودوم قانون اساسی مقرر می‌دارد: حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

حیثیت که هم‌معنی آبرو و اعتبار و شئون اجتماعی است. تجلی حیات معنوی افراد در روابط اجتماعی تلقی می‌گردد. بدین جهت است که اصل بیست‌ودوم قانون اساسی مصونیت حیثیت را نسبت به سایر موارد در مقام برتری قرار داده است. در روابط سالم اجتماعی، اصولاً حیثیت افراد مصون است و نگرانی عمده‌ای از این بابت وجود ندارد. نگرانی از آن زمان آغاز می‌شود که پاره‌ای ارزش‌های منفی در جامعه رشد پیدا می‌کند و حیثیت افراد را مخدوش نماید (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۷۸). بر اساس این اصل از قانون اساسی بایستی برای شهروندان امنیت مالی، جانی، حقوق و مسکن نیز تأمین شده باشد.

عدالت محوری و برابری

نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی یکی از اوصاف مشترک همه جوامع به شمار می‌رود. اما، استقرار عدالت اقتصادی و اجتماعی یکی از اهداف عالی‌ای است که امروزه حکومت‌ها آن را در سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده‌اند. در این راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران «پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه»^۱ را به‌عنوان یکی از سیاست‌های اساسی دولت مقرر داشته است. این تکلیف قانونی ایجاب می‌کند که زمامداری کشور، با بهره‌برداری امکانات و استعدادهای ملی، آن‌چنان سیاستی را پیش گیرد که نظر مذکور را تأمین کند. در این ارتباط، قانون‌گذار اساسی سیاست‌های ویژه‌ای را در زمینه تأمین اجتماعی،^۲ حق کار،^۳ سیاست‌گذاری اشتغال،^۴ به کار انداختن انفال و ثروت‌های عمومی،^۵ توزیع عادلانه منابع طبیعی کشور،^۶ استرداد ثروت‌های نامشروع،^۷ اقتصاد خانواده^۸ و اقتصاد اجتماعی کار^۹ پیش‌بینی نموده است که اعمال صحیح آن‌ها می‌تواند، زمینه‌ساز عدالت اجتماعی و همبستگی ملی باشد.

با تأمل در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متوجه می‌شویم که عدالت در معنای مختلفی به کار رفته است

از جمله:

- ۱- بند دوازده اصل سوم قانون اساسی.
- ۲- اصل بیست و نهم قانون اساسی.
- ۳- اصل بیست و هشتم قانون اساسی.
- ۴- بندهای دو و چهار اصل چهل و سوم قانون اساسی.
- ۵- اصل چهل و پنجم قانون اساسی.
- ۶- اصل چهل و هشتم قانون اساسی.
- ۷- اصل چهل و نهم قانون اساسی.
- ۸- برداشتی از اصل دهم قانون اساسی.
- ۹- بندهای ۴ و ۳ و ۲ اصل چهل و سوم قانون اساسی.

۱. عدالت به معنای برابری: اصل بیستم قانون اساسی، همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت از قانون قرار دارند؛
 ۲. عدالت به معنای رفع تبعیض؛^۱
 ۳. عدالت به معنای برقراری شرایط مساوی و برابری؛^۲
 ۴. عدالت به معنای حق و حقوق متناسب؛^۳
- مشکلات عدم تحقق عدالت محوری در ایران:
- فقدان مفهوم مشترک از عدالت و برابری؛
 - فقدان آگاهی مردم؛
 - نبود نگاه یکسان به همه اقشار جامعه؛
 - عدم برخورد لازم و مناسب با متخلفان؛
 - عدم هماهنگی بین قوای حاکم در کشور؛
 - رانت خواری‌های سیاسی و اقتصادی در کشور؛
 - تخصیص و توزیع نامناسب منابع ثروت؛
 - عدم شفافیت مقررات اقتصادی و تجاری؛
 - ناکارآمدی قوانین موجود؛
 - نداشتن برنامه صحیح اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در کشور؛
 - وجود نهادهای موازی و تداخل مسئولیت آن‌ها با یکدیگر (قلی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۸-۱۰۷).

مشارکت

مشارکت شهروندان در تعیین سرنوشت خود یکی از اصول بنیادین حقوق عمومی و علوم سیاسی محسوب می‌شود. بدین معنی که مشروعیت قدرت سیاسی مبتنی بر آزادی و ابتکار عمل شهروندان در تعیین سرنوشت خود و اداره کشور به حساب می‌آید. با قبول حاکمیت مردم بر سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش، مشارکت آنان در انتخاب زمامداران یکی از زمینه‌های بارز این حاکمیت است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۴۳۵). مشارکت سیاسی شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری و اجرای آن، شامل فعالیت شهروندان به صورت نماینده مردم یا یک مقام حکومتی و یا یک شهروند عادی می‌شود (GBP, 1992: 460-461). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تأکید اساسی مبنی بر حضور و مشارکت شهروندان در تمامی عرصه‌ها وجود دارد. از یک سو اداره تمامی امور کشور بایستی با اتکا به آرای عمومی فراهم شود.

فرایندهای پیش‌بینی شده برای مشارکت شهروندان در قانون اساسی:

- مشارکت از راه انتخابات؛^۴

۱- اصل سه قانون اساسی بندهای ۱۲۹.

۲- اصل ۲۸ قانون اساسی.

۳- اصول ۳۰۲۹ قانون اساسی.

۴- اصول ۵۹ و ۶ قانون اساسی.

- مشارکت از طریق نظارت همگانی؛^۱
- مشارکت اقلیت‌ها؛^۲
- مشارکت در تشکیل شوراها و عضویت در آن‌ها.^۳
- مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اقتصادی: اصل ۴۴ قانون اساسی با مشروع دانستن مالکیت در سه بخش (دولتی و تعاونی و خصوصی) مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اقتصادی را مورد توجه قرار داده است.
- درنهایت مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری از طریق همه‌پرسی.^۴

مواع مشارکت شهروندان در ایران

۱. کاهش انگیزه مشارکت شهروندان به دلیل عدم تأمین حداقل مطالبات آن‌ها؛
۲. فقدان حزب در کشور؛
۳. تقدم منافع شخصی برخی مدیران و مسئولان بر منافع عامه مردم؛
۴. عدم آگاهی مردم نسبت به حقوق خود؛
۵. ضعف نظام آموزشی؛
۶. مبهم بودن جایگاه تشکل‌های مردمی و نقش قانونی آن‌ها؛
۷. وضع قوانین متعارض؛
۸. سلطه وسیع دولت بر نظام تولید و توزیع ثروت؛
۹. وجود نظام بوروکراتیک غیرمشارکتی؛
۱۰. تعدد نهادهای تصمیم‌گیری کننده (قلی پور، ۱۳۸۳: ۱۰۴-۱۰۳).

راهکارها برای تقویت مشارکت شهروندان

- الف. بسترسازی برای ایجاد حزب در کشور با توجه به ظرفیت قانون اساسی در اصل ۲۶.
- ب. آموزش و آگاهی‌بخشی به شهروندان برای مطلع شدن نسبت به حقوق خود.
- مقنن اساسی در اصول مختلف قانون اساسی به این مهم پرداخته است، لازم است دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط زمینه‌های لازم برای تحقق آن فراهم کنند. همچنین، در اسناد بین‌المللی توجه خاصی به جریان آزاد اطلاعات در راستای آگاهی مردم پرداخته شده است.
- ج. بسترسازی برای تقویت نهادهای مدنی
- قانون‌گذار اساسی در اصول متعدد قانون اساسی به صراحت و ضمنی به این حق پرداخته است. مانند اصل ۲۶ این قانون، بنابراین ضروری از ظرفیت این قانون برای شکل‌گیری و تقویت نهادهای مدنی استفاده شود.
- د. تقویت بخش خصوصی

۱- اصل ۸ قانون اساسی.

۲- اصول ۶۴ و ۲۶ قانون اساسی.

۳- اصول ۱۰۰ و ۷ قانون اساسی.

۴- اصل ۵۹ قانون اساسی.

قانون‌گذار در متون متعددی به این مهم اشاره داشته است. مانند سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و سایر قوانین و مقرره‌های مربوطه، بنابراین لازم است، برای تحقق و تقویت بخش خصوصی متولیان امر توجه ویژه‌ای به این مهم داشته باشند.

جدول شماره ۳. مقایسه حکمرانی خوب و حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

ردیف	مؤلفه‌ها	حکمرانی خوب	حکمرانی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
۱	حاکمیت قانون	پابندی به قوانین و مقررات مصوب نهادهای ذیصلاح (قراردادهای اجتماعی).	اعتقاد به قوانین و مقررات مصوب نهادهای ذیصلاح مبتنی بر رعایت شرع مقدس.
۲	شفافیت	آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابل دسترس بودن برای همه.	آزادی جریان اطلاعات که ضمانت رشد و توسعه است و مبارزه با فساد علاوه بر روش‌های نظارتی، یک اصل اعتقادی مبتنی بر حلال و حرام است.
۳	پاسخگویی	حکومت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی در مقابل یکدیگر.	حکومت، بخش خصوصی و نهادهای مدنی در برابر یکدیگر و شهروندان و خداوند.
۴	مشارکت شهروندان	حاکمیت شهروندان یک اصل بنیادی است.	حاکمیت شهروندان یک اصل اعتقادی است.
۵	عدالت محوری	اغلب به لحاظ اقتصادی	علاوه بر نگاه اقتصادی، فرصت‌های برابر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان یک اصل اعتقادی و دینی.
۶	کارایی و اثربخشی	استفاده از ظرفیت‌های مادی به‌طور کامل.	استفاده از ظرفیت‌های مادی و معنوی برای رسیدن به کمال دنیوی و اخروی.
۷	دموکراسی	در چارچوب قواعد عرفی جامعه.	در چارچوب قواعد عرفی جامعه و ارزش‌های الهی.
۸	تفکیک قوا	قوا از هم جدا هستند.	استقلال قوا و فعالیت آن‌ها زیر نظر ولی فقیه.

پیشنادهایی در باب تقویت شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران

مهم‌ترین عاملی که در تحقق حکمرانی خوب تأثیر دارد، وجود عرصه عمومی و بخش خصوصی فعال و پویا است، اما همان‌طوری که مطالعات نظری نشان داد، عرصه عمومی (نهادهای مدنی) و بخش خصوصی در کشور ایران نسبتاً ضعیف است (اگرچه اقداماتی در جهت فعال‌سازی و تقویت آن انجام شده) همچنین با توجه به نبود هم‌سویی اهداف و وجود اهداف متفاوت میان کنش‌گران اجتماعی است و عدم تعامل دوسویه قوی بین کنش‌گران اجتماعی در ایران مزید بر علت است. لذا وجود نهادهای مدنی و بخش خصوصی فعال و پویا یکی از عوامل اساسی تحقق حکمرانی خوب است. از جمله سیاست‌های لازم برای تحقق حکمرانی خوب به شرح ذیل می‌توان نام برد:

۱. ایجاد و تقویت سازمان‌های غیردولتی و نهادهای مدنی؛

۲. تعامل دوسویه و متقابل همه کنش‌گران جامعه در اداره امور کشورداری؛

۳. بایستی اجرای مؤلفه‌های حکمرانی خوب به‌عنوان یک راهبرد بلندمدت باشد، نه اینکه یک برنامه کوتاه‌مدت

و موقتی؛

۴. شفافیت در رویه‌های انجام کار و گردش آزاد اطلاعات؛

۵. کاهش بی‌ثباتی سیاستی و تقویت همبستگی اجتماعی؛

۶. به‌جای آنکه برخی مسئولین از حکمرانی خوب به‌عنوان یک تهدید نگاه کنند، بایستی از آن به‌عنوان یک

فرصت برای مهندسی ساختار و اداره جامعه استفاده کنند؛

۷. ارزیابی منظم عملکرد مسئولان و توجه داشتن به بازخورد عملکردها؛
۸. تلاش برای حذف فساد و کاهش رانت خوری در کشور؛
۹. تغییر نگرش‌ها در مورد حکمرانی خوب، یعنی کنش‌گران اجتماعی بایستی آگاه شوند که تقابلی بین حکمرانی خوب و سنت‌ها وجود ندارد، بلکه حکمرانی خوب برای اداره بهتر جامعه و رشد و پویایی آن به کار می‌رود؛
۱۰. مشارکت تمامی کنش‌گران اجتماعی در اداره کشور؛
۱۱. به جای پذیرش کامل مؤلفه‌های حکمرانی خوب یا مخالفت کامل با آن بایستی تلفیقی از رویکردهای متداول با در نظر گرفتن شرایط وضعی کشور مورد توجه قرار گیرد و اصل اسلامیت و جمهوریت در مؤلفه‌های حکمرانی خوب به عنوان مدل بومی لحاظ شود (ره‌نورد و عباس‌پور، ۱۳۸۶: ۳۵)؛
۱۲. فعال‌سازی بخش خصوصی و تقویت کردن آن؛
۱۳. اصلاح ساختار نهادها و سازمان‌های دولتی، رفع بوروکراسی، سیاست‌زدایی از نظام اداری؛
۱۴. ساده‌سازی روش‌ها و فرایندهای انجام کار به منظور رضایت ارباب‌رجوع و کاهش هزینه‌های دولت؛
۱۵. ایجاد سازوکار نظارت به‌وسیله بخش عمومی بر نهادهای اداره کننده کشور؛
۱۶. آموزش شهروندان و ارتقای آگاهی‌ها و فرهنگ شهروندی.

نتیجه‌گیری

«مؤلفه‌های حکمرانی خوب» امروزه به‌مثابه یک دستگاه سنجش وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف دنیا به کار می‌رود و کشورها بر اساس مؤلفه‌های تعیین شده مورد ارزیابی و رتبه‌بندی قرار می‌گیرند. این اندیشه در حال حاضر از مقبولیت بالایی برخوردار است. بانک جهانی بر اساس مؤلفه‌های تعریف شده، وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف را بررسی و گزارش آن را به‌طور رسمی و علنی منتشر می‌کند. این گزارش‌ها در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها و مباحثات داخلی و خارجی مبنا قرار می‌گیرد و به همین لحاظ در سرنوشت کشورها مؤثر است.

به باور برخی صاحب‌نظران، وجود نوعی شکاف بین دولت و ملت در جوامع کمتر توسعه‌یافته که ریشه در شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی این‌گونه کشورها دارد، مانع جدی در تحقق حکمرانی خوب است (UNESCAP, 2002: 6). با این حال، می‌توان گفت که حکمرانی، تجویزی نیست. برخی اشکال حکمرانی، بدون شک بهتر از سایر اشکال آن است. در مورد عوامل و عناصر تشکیل‌دهنده حکمرانی خوب، اختلاف‌نظر زیادی وجود ندارد. به‌هرحال، استفاده عملی از ویژگی‌های حکمرانی خوب، اختلاف‌نظرهایی را به وجود می‌آورد، زیرا این ویژگی‌ها با یکدیگر ممکن است، در تضاد قرار بگیرند و تأکید بیش از حد بر یک ویژگی، ممکن است منجر به بروز نتایج ناخواسته شود. مشارکت عمومی، اصلی جذاب است. اما، افراط در آن منجر به خطمشی‌گذاری گروهی و اتخاذ تصمیمات توسط افرادی می‌شود که از دانش کمی برخوردار بوده و التزام به پاسخگویی ندارند. همچنین، وجود رسانه‌های مستقل و مهار نشده، ممکن است توجیه‌ناپذیر جلوه کند. میزان تأکید بر ابعاد مختلف حکمرانی سالم در شرایط مختلف، متفاوت است. زیرا، جوامع برای پیامدها و نتایج مختلف ارزش‌های متفاوتی قائل‌اند.

به‌هرحال، نظریه حکمرانی خوب که با ویژگی‌هایی مانند مشارکت، شفافیت، پاسخگویی، اثربخشی و کارایی و حاکمیت قانون تعریف می‌شود. الگویی برای توسعه پایدار انسانی با سازوکار تعامل عملی سه بخش دولت، بخش

خصوصی و جامعه مدنی است. این الگو به دنبال نقش حداقلی دولت و توانمندسازی نهادهای مدنی و بخش خصوصی است. در این راستا بر رفتار تعاملی سه بخش دولت و نهادهای مدنی و بخش خصوصی تأکید می‌شود و معتقد است، دولت باید نقش هماهنگ کننده و تنظیم‌گر خود را تقویت نموده و به جای تصدی‌گری به تنظیم و تسهیل روابط بپردازد. در الگوی حکمرانی خوب بحث از دولت نماینده و دولت مشارکتی است که از این طریق راه را برای فعالیت سایر بخش‌ها هموار می‌سازد. به‌منظور اعمال نقش فوق، الگوی دولت تسهیل‌گر در حکمرانی خوب با متغیرهایی مانند دموکراسی، مشارکت، پاسخگویی، عدالت محوری و اثربخشی پیشنهاد شده که در صورت تحقق متغیرهای فوق در دولت، تعامل بین آن و دو بخش دیگر بیشتر خواهد شد.

از سوی دیگر، در جهان‌بینی اسلامی، ثروت، قدرت و علم وسیله رشد انسان و زمینه‌ساز برقراری عدالت، حکومت حق، روابط انسانی در جامعه و دنیای آباد هستند. فکر حاکم بر غرب در حال حاضر، تفکری لیبرالی، این چنین نیست. در چنین نگرشی، جامعه، سیاست، انسان و تمام ارزش‌هایی که برای وی مطرح می‌شود، از خود انسان نشئت گرفته است و آفریننده ارزش‌ها خود انسان است (اومانیسیم). بنابراین، در این نگرش، جایی برای خدا و آخرت منظور نشده است، در چنین شرایطی بسیاری از شاخص‌های حکومت خوب مانند حاکمیت قانون، پاسخگویی، عدالت به معنای اومانستی و... به‌عنوان یک شاخص قابل قبول نخواهد بود.

بنابراین، اگرچه مؤلفه‌ای حکمرانی خوب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر اسناد بین‌المللی آمده است. در متن حاضر ضمن تبیین مفاهیم حکمرانی خوب در اسناد بین‌المللی و قانون اساسی به ارزیابی مؤلفه‌های حکمرانی خوب و موانع راهکارها پرداخته شد. در نگاه اول دقیق همان اصول و مؤلفه‌های حکمرانی خوب که در اسناد بین‌المللی آمده تحقق و اجرای آن با موانعی روبه‌رو می‌شود و دلیل نوع نگاه و ماهیت دیدگاه اسلامی و عرفی (لیبرالی) است. اما با توجه به تفاوت‌ها در نوع نگاه و مبانی موردپذیرش هر کدام در اجرا همراه با فراز و نشیب‌هایی خواهند بود.

در کشور ما می‌توان با بومی کردن بسیاری از مؤلفه‌ها و اصول حکمرانی خوب به دنبال تحقق حکمرانی خوب اسلامی در عرصه‌های مختلف بود اما با توجه مطالعات انجام شده، نشان می‌دهد که حکمرانی خوب در ایران مبتنی بر سبک دستوری و سلسله‌مراتبی است که در آن تعامل ضعیفی میان کنش‌گران مختلف تأثیرگذار بر حکمرانی خوب در ایران وجود دارد که اغلب به‌صورت سلسله‌مراتبی و دستوری از سوی دولت شکل می‌گیرد.

نقش پررنگ دولت در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نشان‌دهنده ضعف‌های اساسی در سیستم حکمرانی است. البته، عدم وجود ساز و کارهای یکپارچگی سیاستی مناسب و همچنین عدم استفاده مناسب از ساختارهای موجود از مشکلات اساسی این نظام حکومتی است. در سیستم حکومتی ایران، گرچه یافته‌های این پژوهش بیانگر این مسئله است که هر یک از مؤلفه‌های حکمرانی خوب به نحوی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مورد تأکید بسیار قرار گرفته است؛ ولی در عرصه عمل با توجه تحقیقاتی که انجام شده از فراز و نشیب‌هایی برخوردار بوده است و نیازمند ایجاد تغییرات اساسی در نقش دولت و تغییر نقش آن به تسهیل‌گری و کمک به شکل‌گیری کنش‌گران فعال در عرصه سیاسی، حقوقی و اجتماعی کشور است.

منابع

فارسی

- آشوری، داریوش (۱۳۷۶). ما و مدرنیت. تهران: نشر موسسه فرهنگی صراط.
- امامی، محمد؛ زرگوش، مشتاق (۱۳۸۷). «جنبه‌های درونی نظریه حاکمیت قانون در پرتو دکترین حکمرانی خوب». پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، ش ۹.
- برک پور، ناصر؛ اسدی، ایرج (۱۳۸۸). مدیریت و حکمرانی شهری، تهران: دانشگاه هنر. معاونت پژوهشی.
- تقوایی، علی‌اکبر؛ تاجدار، رسول. (۱۳۸۸). «درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی»، فصلنامه مدیریت شهری، ش ۲۳.
- خلفخانی، مهدی (۱۳۹۱). «بررسی الگوهای موفق و ناموفق حکمرانی»، در مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری، ج ۳، تهران: تیسرا.
- دوبنوا، آلن (۱۳۷۸). تأمل در مبانی دموکراسی، ترجمه: بزرگ نادرزاد، تهران: نشر چشمه.
- راعی، مسعود؛ عطریان، فرامرز (۱۳۹۱). «حاکمیت قانون و احکام حکومتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حکومت اسلامی، سال هفدهم، ش ۱.
- رهنورد، فرج اله؛ عباسپور، باقر (۱۳۸۶). «حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران»، مطالعات مدیریت تحول، ش ۵۵.
- زارعی، محمدحسین (۱۳۸۳). «حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۴۰.
- سردارنیا، خلیل اله (۱۳۸۸). «اثر سرمایه اجتماعی بر حکمرانی خوب»، اطلاعات سیاسی □ اقتصادی، ش ۲۶۰-۲۵۹.
- سردارنیا، خلیل اله (۱۳۹۱). «شاخص‌های حکمرانی خوب شهری در چهارچوب نظریه سیستمی»، مجموعه مقالات همایش علمی حکمروایی خوب شهری، ج ۱، تهران: تیسرا.
- سروش محلاتی، محمد (۱۳۷۸). «خبرگان و نظارت». فصلنامه حکومت اسلامی. شماره ۱۴.
- شایگان، فریده و دیگران (۱۳۸۲). تقویت همکاری‌های بین‌المللی در زمینه حقوق بشر، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- شریف‌زاده، فتح؛ قلی پور، رحمت اله (۱۳۸۲). «حکمرانی خوب و نقش دولت»، فرهنگ مدیریت، سال اول، ش ۴.
- شریفیان ثانی، مریم (۱۳۸۰). «سرمایه اجتماعی؛ مفاهیم اصلی و چارچوب نظری». فصلنامه علمی پژوهشی مددکاری اجتماعی، شماره ۸. تهران: دانشگاه علوم بهزیستی.
- عالم، عبدالرحمن (۱۳۷۵). بنیادهای علم سیاست، تهران: نشر نی.
- قاضی (شریعت پناهی)، ابوالفضل (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: نشر دادگستر.
- قلی پور، رحمت‌الله (۱۳۸۷). حکمرانی خوب و الگوی مناسب دولت، تهران: با همکاری مرکز تحقیقات استراتژیک و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- قلی پور، رحمت‌الله (۱۳۸۳). «تحلیل و امکان‌سنجی الگوی حکمرانی خوب در ایران با تأکید بر نقش دولت». دانش مدیریت، شماره ۶۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). مقدمه علم حقوق، تهران: نشر میزان.
- مرکزالمیری، احمد (۱۳۸۵). حاکمیت قانون، مفاهیم، مبانی و برداشت‌ها، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس.

نوبری، نازک و رحیمی، محمد. (۱۳۸۹). «حکمرانی خوب شهری. مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران»، دانش شهر، ش ۱۱.

هاشمی، سید محمد (۱۳۸۴). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، تهران: نشر میزان.

هاشمی شاهرودی، سید محمدصادق (۱۳۹۵). «حکمرانی خوب در اسناد بین‌المللی و تأثیر آن بر مردم‌سالاری و حقوق بشر»، پژوهش‌های روابط بین‌الملل، ش ۱۹.

هداوند، مهدی (۱۳۸۴). «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، ش ۴.

لاتین

Chibba, Michael (2009). Governance and Development: The current Role of Theory. Policy and Practice. World Economics, No.10.

Christiane Arndt & Charles Oman(2008) “The Politics of Governance Ratings “,Maastricht University Maastricht Graduate School of Governance.

GB (1992).”Political Participation”. The Blackwell encyclopedia of political science, edited by Vernon bogdanov, Blackwell.

Graham, John Amos (2003), Bruce and Time Plumpre Principles for Good Governance in the 21 st Century, Policy Brief No.15 August 2003.

Harris,J.David(2008),”A Discourse Analysis of Institutionalized in The Field of New Zealand Rugby 1885 and 2005”,at Massey University, Palmerstone North and New Zealand,Book, online in English.

Johnson, Ronald w. & Minis, Henry (2000), “Approaches to Promoting Good Governance”, Near East Bureau. Democratic Institution Support Project.

Kaufman, D., Kraay.A. (2007).Governance Indicators: Where Are We, Where should we be going? Global Governance Grou Policy Research Working Papers.No, 4370, Washington DC: World Bank.

Kooiman, J. (2003).Governing as Governance. SAGE Publication. London. Thousand Oaks.Calif.and New Delhi.

McCarney,, Halfani, M., Rodriquez, A. (1995). *Towards an understanding of governance: the emergence of an idea and its implications for urban research in developing countries. In Stren, R., Kjellberg, B. (Eds).Perspectives on the City. Centre for Urban and Community Studies, University of Toronto, Toronto.*

Mobius M. (2001), “good governance is a global challenge”, corporate board, Vol. 22, No. 131.

Pierre, J. (2000). “Models of Urban Governance: The Institutional Dimension of Urban Politics”. Urban Affairs Review. Vol 4. Issue 3. Jan.

Rose, J. (2004). “The Rule of Law in the western world: an overview”. Journal of social philosophy. Vol.35.No.4.

Stratford, Elaine (2007). Sustainable development and good governance: Pathways to good Practice in regional governance. No.3.

Un Escap (2002) "What is Good Governance?" At: <http://www.Unescape.Org/huset/22/Governance.htm>.

UNDP (2000). Characteristics of Good governance. The Urban Governance initiative TUGi.

UN-HABITAT (2002). The global campaign on Urban Governance. www.unhabitat.org.

Weiss, T.G (2000). Governance, Good Governance and Global Governance: Conceptnal and Actual challenges, Third World Quarterly, Vol.21.Issue.5.